

بسمه تعالی

موضع راهبردی ایران اسلامی در مورد فلسطین

دکتر محمدجواد ایروانی
استاد دانشگاه تهران

دفاع از فلسطین از منظر انسانی و از منظر اسلامی:

دفاع از مظلوم هم به لحاظ انسانی و هم به لحاظ دستورات وحی یک امر فطری و تکلیفی روشن و واضح است. آموزه‌های دینی مملو از تأکید بر حفظ کرامت انسانی، دفاع از حقوق انسانها و مسئولیت همگان در برابر سایر انسانهاست به گونه‌ای که یک مسلمان پیوسته باید در حال اهتمام به امور سایرین باشد و گرنه از زمره مسلمین خارج می‌شود. چنانکه رسول اکرم می‌فرمایند: (من أصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس منهم) (نهج الفصاحه / پیامبر «ص»)) دستور به، خدمت کردن به مسلمانان و نافع بودن انسانها برای جامعه و بویژه آنگاه که فریادرسی خواسته و ندا برآورد که به کمک من بشتابید حکم خدا و پاسخ دادن به این ندا شرط مسلمانی است (من سمع مسلماً ینادی یاللمسلمین ولم یجبه فلیس بمسلم) (نهج الفصاحه / پیامبر «ص»)).

اصولاً جنگ و منازعه در اسلام صبغه دفاعی دارد و لذا از آن به جهاد دفاعی یاد می‌کنند اسلام آنگاه که دستور جنگ می‌دهد نیز در واقع دفاع در مقابل هرگونه تجاوز به حقوق انسانی و کرامت انسانهاست بلکه دفاع از حقوق انسانی مقدس‌تر و ارزشمندتر حتی از حق یک فرد یا یک ملت است زیرا کرامت انسانی متعلق به یک ملت خاص نیست.

و بر این مبنا دفاع از مردم فلسطین هم از جنبه حقوق از دست رفته یک ملت و هم از جنبه تجاوز به حقوق انسانی که متعلق به همه انسانهاست اهمیت دارد.

انسانهای آگاه و شجاع با الهام گرفتن از فطرت ظلم‌ستیز خود پیوسته به حمایت از مظلومان برخاسته و با ظلم به مبارزه می‌پردازند زیرا در معادلات دنیایی هیچ راه مقابله‌ای با ظالمانی که با تکیه بر قدرت اهریمنی و برای فرو نشانیدن عطش قدرت‌طلبی و افزون‌خواهی و نژادپرستی خود، هموعان خویش و

سایر انسانها را تحت نفوذ و سلطه درآورده و به بند می‌کشند، جز مقابله از طریق عوامل انسانی با تکیه بر فطرت توحیدی «عدالت طلبی» وجود ندارد.

انبیای الهی نیز همواره در کنار ستمدیدگان بوده و در برابر ستمگران صف کشیده و عمر خود را در راه برچیدن ستم و براندازی حکومت‌های ستمگر و ظالمان سپری کرده‌اند.

قرآن نقل می‌کند که موسی و هارون برای رهایی قوم بنی اسرائیل از ستم فرعون مأموریت پیدا می‌کنند به سراغ فرعون رفته و به او بگویند بنی اسرائیل را رها کن و آنان را شکنجه و عذاب مکن (فارسل معنا بنی اسرائیل ولا تعذبهم طه/47).

در اسلام ظلم‌ستیزی اصلی خدشه‌ناپذیر است و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان یکی از رسالت‌های مهم این دین به شمار می‌رود به همین دلیل قرآن کریم جنگ را با هدف نابودی ظلم و نجات مظلومان و مستضعفان مشروع می‌داند انجا که می‌فرماید:

و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القریه الظالم اهلها واجعل لنا من لدنک ولیاً واجعل لنا من لدنک نصیراً (نساء/75)

چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید. همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود یار و یآوری برای ما تعیین فرما.

در این آیه مسلمانان تویخ شده و تشویق و تحریک می‌شوند که با هدف حمایت از مستضعفانی که در چنگال حکمرانان ظالم گرفتار آمده‌اند بجنگند. اسلام هرگونه اعتماد، اتکا و همراهی و معاونت و یاری ظالمان را در اجرای ظلم خود حرام کرده و می‌فرماید:

ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و مالکم من دون الله من اولیاء ثم لا تنصرون (هود/113)

به ظالمان تکیه و اعتماد و در نتیجه با آنها همراهی نکنید.

امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند کسیکه ظلم کند و کسیکه او را یاری کند و کسیکه به ظلم او راضی باشد هر سه در این ظلم شریکند (العامل بالظلم والمعین له والراضی به شرکاء ثلاثتهم) (میزان الحکمه/ری شهری «ذیل عنوان الظلم»)

پیامبر (صلی... علیه وآله) فرموده‌اند اگر کسی به دفاع از مظلوم برخیزد و حق او را بگیرد در بهشت همنشین من خواهد بود (من اخذ للمظلوم من الظالم كان معی فی الجنة مصاحباً) (میزان الحکمه/ ری شهری «ذیل عنوان الظلم»)

خلاصه آنکه سیاست یاری به مظلومان و ستیز با ظالمان از اصول اساسی اسلام و بویژه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است و شعار کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً (نهج البلاغه / نامه 47) شعار همه قیامها، نهضت‌ها و جنبش‌های شیعیان در طول تاریخ بوده است.

از این رو در مقابله با رژیم اشغالگر قدس تکلیف همگان هم به لحاظ انسانی و هم به لحاظ ادیان الهی و نیز به لحاظ آموزه‌های دینی اسلام بویژه مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، روشن است.

به لحاظ انسانی دفاع از حریت و کرامت انسانها، احساس مسئولیت در مقابل دریایی از جنایت‌ها و اعمال زشت و سرکوبگری‌های رژیم صهیونیستی در مقابل فلسطینی‌ها - و نیز احساس همدردی و همراهی با پیکره و عضو جدا شده از امت اسلامی، انجام وظیفه برادری یک تکلیف دینی و به اقتضای ممنوعی انجام هرگونه حمایت سیاسی، اقتصادی و معنوی و مادی مسئولیت همگان است. به لحاظ شرعی آیات قرآن و روایات تکلیف ما را روشن نموده است. همه علماء، مراجع تقلید و در نهایت مقام معظم رهبری مقابله با رژیم غاصب صهیونیستی را یک فریضه الهی و واجب شرعی دانسته‌اند.

امام خمینی (ره) معمار کبیر انقلاب اسلامی یکی از انگیزه‌های اصلی انقلاب اسلامی را موضوع فلسطین معرفی نموده‌اند و صراحتاً فرموده‌اند:

یکی از جهاتی که ما را در مقابل شاه قرار داده است کمک او به اسرائیل است من همیشه در مطالبم گفته‌ام که شاه از همان اول که اسرائیل بوجود آمد با او همکاری کرده و وقتی که جنگ بین اسرائیل و مسلمانان به اوج خود رسیده بود شاه همچنان نفت مسلمین را غصب کرده و به اسرائیل می‌داد و این امر خود از عوامل مخالفت من با شاه بوده است (مصاحبه امام خمینی (ره) 1357/9/16 صحیفه نور ج 4)

مواضع امام خمینی (ره) در دفاع از فلسطین و مبارزه با اسرائیل و راهکارهای ایشان تنها راه نجات مظلومان فلسطین است ایشان معتقد بودند که:

مسلمین باید از امکانات و مقدرات خود بویژه از حربه نفت علیه امریکا و اسرائیل استفاده کنند. روحیه مقاومت و بازگشت به اسلام و هویت اسلامی تقویت شده و ملت‌ها را از حکومت‌ها جدا کرده و راه را بر انواع طرح‌های سازشکارانه ببندند. یهود را از صهیونیسم تفکیک کرده و امت اسلامی در راه نجات فلسطین متحد شوند مسئله فلسطین یک مسئله اسلامی باشد نه عربی و همه بویژه شیعیان لبنان به فلسطینیان کمک کنند. از فرصت‌ها و قابلیت‌های جهان اسلام همچون حج استفاده شده و در راه دفاع از حقوق مظلومین فلسطین، ملل اسلامی بسیج شوند روز قدس را نیز با همین هدف تعیین نمودند تا انشاءالله با همت مسلمانان و اتحاد آنان زمینه نابودی اسرائیل فراهم گردد. مقام معظم رهبری تأکیدات فراوانی بر حمایت از مسئله فلسطین داشته و به صراحت اتحاد مسلمانان و دفاع از فلسطین را یک واجب شرعی اعلام کردند.

نقش انقلاب اسلامی در هدایت مسئله دفاع از فلسطین:

قبل از انقلاب اسلامی ایران: افتخار رژیم طاغوت پهلوی همکاری با رژیم صهیونیستی و روابط کامل با آن بود - علیرغم روابط همسایگی کشورهای منطقه همواره با ما در تقابل بودند و شاه برای حفظ خود به امریکا و غرب تکیه می‌کرد و پایگاه نظامی آنان در منطقه شد و با شوروی نیز روابط حسنه داشت.

سران کشورهای عربی منطقه مثل: جمال عبدالناصر - حافظ اسد - عبدالکریم قاسم - یاسر عرفات - معمر قذافی شعارهای پان عربی داشته و ضد ایران بودند.

شکاف بر پایه ناسیونالیسم ایرانی - ناسیونالیسم عربی دامنه زده می‌شد و ایران جایگاهی در افکار عمومی و در میان کشورهای منطقه نداشت البته افتخار امریکائی‌ها حاکمیت بر مبنای کودتای نظامیان در ترکیه و دولت کودتای نظامی در پاکستان و امارت‌های عربی غیرمردم‌سالار در جنوب خلیج فارس بود.

اما انقلاب اسلامی ایران با شعار بزرگ امام از سال 1341 و قبل از آن در دهه 30 شمسی برخورد با صهیونیست‌های غاصب و استثمارگران غربی بود.

انقلاب اسلامی شاخص مبارزه با ظلم و استکبار و نژادپرستی بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی: با دو رژیم جنایتکار نژادپرست قطع رابطه نمود:

1- رژیم آپارتاید افریقای جنوبی

2- رژیم نژادپرست صهیونیستی

آوازه انقلاب اسلامی در جهان عالمگیر شد زیرا که مظلومین جهان و روشنفکران جهان حقانیت آنرا از طریق اقدامات عملی در رابطه با شعارهای محوری انقلاب یافتند.

در مورد اول تاسرنگونی رژیم آپارتاید انقلاب اسلامی ایران علیه آن موضع گرفت و پس از سرنگونی حکومت آپارتاید بهترین روابط را با بزرگ‌ترین کشور افریقائی جهان برقرار کرد و هم اکنون بهترین روابط و همکاریهای راهبردی را دارند.

در مورد دوم: سفارت رژیم صهیونیست‌های غاصب در اختیار مقاومت فلسطین قرار گرفت.

و انقلاب اسلامی همواره علیه جنایتکاران صهیونیستی موضع گرفته و نقشه راه و برنامه عملی

پروتکل‌های دانشوران صهیونیست را کم اثر کرده، چشم‌انداز و آرزوی نیل تا فرات

صهیونیستها را به جائی رسانده که: خودشان دیوار حائل نژادپرستی ایجاد می‌کنند تا

امنیت داشته باشند.

انقلاب بزرگ اسلامی و حضرت امام(ره) و رهبری حکیم فرزانه و بردبار حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با شکست استراتژی شکاف و درگیری دائمی ناسیونالیزم‌های ایرانی و عربی، شعارهای قومی‌گرائی را به استراتژی اسلامی کردن قضیه فلسطین تبدیل کردند. شعار نماز گزاردن در بیت‌المقدس به امامت امام خمینی(ره) چشم‌ها را متوجه ریشه‌های امت اسلامی کرد. ناسیونالیزم عربی که در برخورد با صهیونیستها توفیق پیدا نکرده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی رنگ باخت. جنبش‌های فلسطین به گرایش اسلامی و مقاومت مسلحانه هر چند نابرابر اقبال نمودند و در عین حال شاهد هستیم که بیشترین کمک‌های معنوی و سیاسی و پشتیبانی مالی از فلسطین را کشورهای اسلامی پیگیری می‌کنند.

- پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایدئولوژی اسلامی بعنوان محور رهائی‌بخش از ظلم صهیونیستها در تمامی کشورهای منطقه اسلامی باعث رشد و بالندگی مسلمانان شد.

حکومت‌های ناکارآمد و وابسته عربی و جریان منحط و جعلی وهابیت از تسلط و نفوذ ایران در قلوب مسلمانان و آزادیخواهان جهان به شگفت و به درد آمده‌اند که چرا ایرانیان که زبان آنان عربی نیست و فارسی است اینگونه قلوب را تسخیر و در منطقه نفوذ پیدا کرده‌اند و ایرانیان پیام‌رسان قرآن به زبان عربی شده‌اند.

در چندین صدساله اخیر کجا ایران با این اقتدار و محبوبیت چهره کرده است و البته فضاسازی رسانه‌های غربی ضدایرانی همانند چوپانان دروغ‌گو در میان‌مدت به سود ایران است در کوتاه‌مدت می‌توان ولی همیشه نمی‌توان دروغ گفت. اگر ما هم از ابزار رسانه استفاده کنیم اقتدار و پیشرفت ما سرعت می‌گیرد زیرا دشمنان جمهوری اسلامی ایران پیامی که جاذب مسلمانان و آزادیخواهان جهان باشد، ندارند.

شعار انحرافی « نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران »

در انتخابات ریاست جمهوری اخیر یکی از نامزدها به سوابق فکری خود پشت کرد و رسیدگی به قضیه فلسطین را زیرسؤال برد. در نتیجه از این علامت دهی، انحراف فکری و بی‌سازگاری سوءاستفاده شد و شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران که شعاری کاملاً برضد منافع ملی ایران و ضدایرانی است توسط وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی پیشنهاد شد و عده ناچیزی فریب خوردند.

بر طبق نظریه پرفسور مورگتتا و که نظریه‌اش پارادایم حاکم در روابط بین‌الملل و شورای روابط خارجی امریکا است، قدرت در روابط بین‌المللی ضامن بقای هر ملت و کشوری است (یعنی امریکائی-ها هر کشوری را که توانستند به زیر سلطه برده و استحاله می‌کنند ولی اگر نتوانستند آن را هضم کنند راهبرد سازگاری با آن کشور را پیشه می‌کنند. برای قدرت داشتن بایستی روابط و شرکای راهبردی داشت. روابط راهبردی با لبنان و فلسطین و عراق و سوریه، ترکیه و... که عمق راهبردی کشور ما هستند و برعکس منافع آنان نیز در همکاری با جمهوری اسلامی ایران بیشینه می‌شود، در راستای منافع ملی

ایران نیز هست. این روابط موجب اقتدار جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مذکور گردیده ضمن اینکه ما را در مرزهای خودمان محصور نمی کند. شعار جمهوری ایرانی هم دقیقاً در راستای توطئه دامن زدن به ناسیونالیسم ایرانی و در نتیجه انزوای ایران است و در واقع یک شعار ضدایرانی در تقابل با جمهوری اسلامی ایران که عزت ایران و ایرانی را در جهان موجب شده است، می باشد **ایجاد شکاف ناسیونالیسم ایرانی عربی و تقابل ایرانیست و اسلامیت حربه** زنگ زده صهیونیستی - امریکائی است که دیگر کهنه شده و هیچگونه زمینه اجتماعی ندارد و ملت هوشیار و انقلابی ایران و سایر ملت های منطقه را نمی تواند بفریبد.

راهبرد متقابل صهیونیستهای مسیحی و نئوکان ها :

طرح ضدانسانی خاورمیانه جدید: تغییر در نقشه های کشورهای خاورمیانه بر پایه قومیت ها و مذاهب گوناگون یعنی برای کردهای ترکیه، عراق، سوریه و ایران یک کردستان آزاد درست کنند. با جدا کردن بلوچستانهای پاکستان و ایران بلوچستان آزاد طراحی کنند - نوار و منطقه شیعه شامل جنوب عراق، شرق عربستان، کویت و بحرین و... یک کشور شیعه عربی طراحی کردند - یک منطقه سنی در عراق و یک کشور کوچک (واتیکان اسلامی در مکه و مدینه) ادغام آذربایجان شوروی سابق با آذربایجان ایران و تشکیل یک کشور جدید آذری و در نهایت شعله ور کردن دائمی درگیری در کشورهای منطقه و در صورت تحقق این نقشه شیطانی کشورهایی مبتنی بر قومیت ها و مذاهب گوناگون سر بر آورند و پس از آن بطور دائمی در درگیری و تقابل با یکدیگر قرار گیرند. (در چارچوب تئوری جهانی سازی که دولت - ملت ها فروپاشیده شوند و اقوام سر بر آورند). لذا در نتیجه حاکم کردن این هدف شوم ، منطقه شاهد تسلط و توسعه طلبی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی هر چه بیشتر رژیم صهیونیستی و استثمارگران غربی در این مرکز کانونی تولید انرژی می شد و عملاً ذخایر عظیم انرژی جهان به دست این جنایتکاران می افتاد.

شعارهای زیبای صهیونیست‌های مسیحی :

صهیونیست‌های مسیحی برای این کار شعارهای زیبایی طراحی کردند تا به قول خودشان ارزشهای امریکائی، دمکراسی و تجارت آزاد (سخنرانی رسمی جورج دبلیو بوش) - را نهادی کنند: و لذا در خاورمیانه جدید پروژه‌های الف - دمکراسی‌سازی در خاورمیانه جدید ب - تجارت آزادتر در خاورمیانه جدید را طراحی و پیگیری کردند:

دمکراسی‌سازی در عراق علی‌رغم همه محدودیت‌ها و شیطنت‌ها منجر به روی کار آمدن شیعیان اصول‌گرا شد و در لبنان هر چند دلارهای بی‌حساب سعودی‌ها باعث اثرگذاری در انتخابات شد، لیکن علی‌رغم آن مقاومت یکی از محورهای تعیین‌کننده در عرصه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در لبنان گردید.

انتخابات در بحرین باعث رشد کم‌نظیر اسلام‌گرایان شد و در فلسطین انتخابات باعث تسلط حماس بر پارلمان فلسطین گردید. پس از این مرحله و در حالی که نبود دمکراسی در کشورهای خلیج فارس همواره در ادعای دمکراسی‌خواهی امریکائی مورد سؤال بود، ناگهان با عجله طومار دمکراسی‌سازی در خاورمیانه توسط امریکائی‌ها بسته شد. در ترکیه هم علی‌رغم مخالفت نظامیان، تداوم دمکراسی اصولگرایان را مسلط‌تر و محبوب‌تر کرد و البته جنگ تاریخی با حزب... لبنان که به قول عفریته جنگ امریکا کاندولیزا رایس درد سزارین زایش خاورمیانه جدید بود و با وقت-کشی در شورای امنیت مثلاً اجازه می‌داد که صهیونیستها کار حزب... را تمام کنند ناگهان توسط حزب... و فخر امت عرب یعنی سیدحسن نصرا... در عمل به درد **احتضار رژیم صهیونیستی و**

برنامه‌های امریکائی‌ها تبدیل شد و برای بار دوم صهیونیست‌ها با خفت از لبنان عقب‌نشینی کردند. جنگ جاویدان سال 2009 غزه مظلوم علیه تجاوز تاریخی صهیونیست‌ها به غزه، که در سالگرد آن هستیم، مه‌ر بـاطلی بـر تـمـنامی بلند پروازی‌های صهیونیست‌ها زد و در حالی خود طبق پروتکلها از طریق حکومت‌سازی‌ها در جهان، مشغول برنامه ریزی برای تسلط بر کشورها بودند اکنون در شرایط مواجهه با گزارش‌هایی نظیر

وینوگراد هستند و باید متحمل زلزله‌های سیاسی معطوف به افتضاحات شکست اسطوره رژیم صهیونیستی باشند.

جاه‌طلبی‌های صهیونیسم بین‌الملل، نئوکانها و بحران اقتصاد امریکا و بحران پولی

دلار

رژیم صهیونیستی طنابی شده است که امریکائی‌ها و غربی‌ها و همه حامیان خود را با آن به چاه می‌برد. استعمار گران آمریکائی در دهه شصت با لشکرکشی‌های نظامی در کره و ویتنام کسری‌های عظیمی بر بودجه دولت امریکا تحمیل کردند. در دهه کنونی نیز (علیرغم شعارهای باصطلاح صلح) بودجه‌های سنگین نظامی آن در عراق، افغانستان، پاکستان و یمن و کمک‌های نظامی و کمک‌های گسترده غیرمستقیم به رژیم صهیونیستی اقتصاد امریکا^۱ و در نتیجه اقتصاد جهان را دچار مشکل کرده و این آغاز مشکلات است. زیرا جهان‌روائی دلار امریکا پس از 66 سال به افول گرائیده و اقتصاد امریکا در آینده نه چندان دور شاهد بحران فروپاشی دلار خواهد بود هم اکنون کسری انباشته بودجه آمریکا بیش از 1860 میلیارد دلار است^۲ ولذا از موضع منابع مالی دولت آمریکا به یک بن بست مالی رسیده و با امکانات موجود و با کسری‌های فراوان بودجه بسادگی نمی‌تواند به اعمال نظامی گری خود در جهان ادامه دهد و عدم سلطه

۱- انواع کمک‌های امریکا به رژیم صهیونیستی در کتاب علائم بحران در اقتصاد رژیم صهیونیستی تألیف اینجانپ ۱۳۸۳ آمده است.

۲- <http://www.ghatreh.com/press/src-۲۶-۲-۲۰.html> دفتر بودجه کنگره آمریکا در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد، کسری بودجه این کشور تا پایان سال ۲۰۰۹ به بیش از ۱,۴ تریلیون دلار خواهد رسید که این رقم نسبت به سال قبل ۹۵۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داشت. و پیش‌بینی می‌شود طی ده سال آینده کسری بودجه آمریکا ۹ به هزار میلیارد دلار برسد دفتر بودجه کنگره آمریکا اعلام کرد: کاهش شدید رشد اقتصادی آمریکا ممکن است کسری بودجه این کشور را تا پایان سال ۲۰۰۹ به مرز ۲ تریلیون دلار برساند. به گزارش شبکه ایران، نشریه اکونومیست در تازه‌ترین گزارش خود، کسری بودجه آمریکا تا پایان سال مالی منتهی به ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹ را بیش از ۱/۸۶ تریلیون دلار پیش‌بینی کرد که این یک رکورد تازه به شمار می‌رود.

<http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=۱۱۸۵۷>

نظامی سلطه سیاسی امریکا را به قهقرا می برد. حضرت امام خمینی (ره) می گفتند دشمن بزرگ با یال و کوپال خود مثل شیری می ماند که در جنگل غرش می کند ولی غافل از اینکه در همین حالت از ترس خود ضربه می دهد و بادهایی از او صادر می شود که در هیاهوی غرش ها گم می شود و دیگران فکر می کنند که در اوج قدرت و آسودگی است. امریکائی ها در انتظار فاجعه عظیم از دست دادن جهانروائی دلار که شصت و پنج سال قبل (1944) از رانت آن استفاده کردند، می باشند زیرا کسری های بودجه مداوم ناشی از سیاست جنگ طلبی امریکائی ها است و نیز بحرانهای مالی به نوبه خود نقش دلار بعنوان وسیله پرداخت تبادلات تجاری بین المللی، و وسیله انباشت دارائی و ذخائر توسط دولت ها، بانکهای مرکزی و تجاری و بنگاههای اقتصادی و اشخاص حقیقی را از بین برده و موج بی-اعتمادی ناشی از، افت و محو نقشهای مذکور باعث عرضه و فروش فراوان دلار در بازارهای بین المللی، کاهش ارزش آن و ضربه سهمگین به اقتصاد امریکا خواهد شد.

هم اکنون چین به فکر جایگزینی دلار است و اقتصاد چین با یازده کشور جهان به یوان معامله می-کند و یورو نیز در عرصه جهانی مطرح است هر چند پیش بینی می شود حرکت بدیع ایران در جهان سوم و کشورهای نسبتاً عدالت طلب مبنی بر لزوم بکارگیری ابزار پولی بومی و یا ارز واحد بین کشور های اسلامی باعث افت گرایش به یورو نیز بشود و در آینده نزدیک یورو را نیز دچار سرنوشت دلار نماید. تفکر تأسیس پول جهانی مشترک به نوبه خود زنگ های خطر را برای ایالات متحده امریکا به صدا درآورده است زیرا شرایط با بحران کاهش شدید ارزش دلار در 1968 متفاوت است. بطوریکه در آن سال بانکهای مرکزی ژاپن و آلمان دلارها را از بازار مدتی جمع کردند تا زمانی که عاجز شدند و دلار سقوط شدید کرد، بلکه کشوری که بیش از همه مازاد دارد چین است که خود رقیب امریکاست و نه همراه و مطیع آن و لذا امریکائی ها اصلاً در موقعیتی نیستند که مصائب دیگری تحمل کنند ولی از طریق نیروهای تمام عیار رسانه ها سعی می نمایند خود را بر اوضاع مسلط نشان دهند.

شکست راهبرد نظامی صهیونیستها

راهبرد همیشگی اسرائیلی جنگ‌های سریع نظیر جنگ 6 روزه ژوئن 1966 و یکسره کردن کار بود. ولی این راهبرد در کمال شگفتی در لبنان شکست خورد + در جنگ غزه اسطوره ماشین سهمگین نظامی اسرائیل دوباره از هم پاشید. در مقابل جالب توجه است که هم اکنون راهبرد نظامی حزب ا...، در آکادمی‌های نظامی امریکا و اسرائیل تدریس می‌گردد.

رژیم صهیونیستی و افکار عمومی جهان

مهم‌ترین شکست اسرائیل شکست و ناکامی در افکار عمومی جهان است گزارش گلدستون، صدور احکام دادگاه‌های غربی علیه مقامات صهیونیستی، شفاف شدن مواضع انحطاطی برخی دولتهای مدعی عربی، سرخوردگی شدید صهیونیست‌ها را پدید آورده است. علیرغم تمامی موازین و قطعنامه‌های بین‌المللی، این سرشکستگی و خفت این رژیم جعلی را وادار به وحشی‌گری‌های جدید در کشتار مردم فلسطین، گسترش دیوار حائل، شهرک‌سازی‌های جدید، تخریب منازل در بیت‌المقدس کرده است. آیا صبح پیروزی انقلاب اسلامی فلسطین و شکست صهیونیست‌ها نزدیک نیست؟

مروری بر برخی از شاخص‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی در سالهای اخیر:

عملیات انتفاضه از آغاز سال 1982 تاثیر عمیقی بر اقتصاد رژیم صهیونیستی گذاشته است.³ این تاثیر به حدی برای تحلیل‌گران برجسته است که متغیرهایی نظیر رشد اقتصادی، گردشگری، نرخ سرمایه‌گذاری و غیره رادر نقش متغیر تابع در مقابل متغیر مستقل انتفاضه در جدول زمانی قرار داده‌اند. به عنوان نمونه در ذیل رابطه بین صنعت گردشگری و عملیات انتفاضه و مقاومت حزب ا... لبنان در نمودار مشاهده می‌شود. هرچند متغیرهای اقتصادی تحت تاثیر عوامل دیگری چون بحران مالی جهانی انتهای سال 2008 میلادی نیز قرار داشته‌اند. بنابراین تفکیک اثر عملیات انتفاضه و مقاومت حزب ا... لبنان با وجود عوامل دیگر مشکل است. اما بنا به برخی از دلایل ذیل می‌توان ادعا نمود که شاخص‌ها و متغیرهای اقتصادی

^۳ - ایروانی (۱۳۸۳) ص ۲۳-۲۶

بیشترین اثر را از انتفاضه و مقاومت پذیرفته اند. اول: کاهش مصرف خصوصی ناشی از افت امید به رونق اقتصادی زندگی. دوم کاهش نرخ سرمایه گذاری بیشتر تابعی از امنیت سیاسی است. این در حالی است که این کشور از همه نظر شرایط خوبی را برای جذب سرمایه گذاری آماده کرده است. سوم کاهش مهاجرت و منفی شدن آن در سالهای اوج انتفاضه باعث شده که وزارت مهاجرین رژیم صهیونیستی بعد از سال 2004 هرگز گزارش رسمی منتشر نماید تا این حقیقت که افشای آن باعث تشدید مهاجرت و ناامیدی از بهبودی در این سرزمین غصب شده می شود به شدت تحت تاثیر قرار گیرد. چهارم کاهش نرخ جهانگردی و توریسم نشان از ناامنی در این سرزمین بوده است. پنجم افزایش بدهی دولت نشان از افزایش هزینه های دخالت دولت در امور حاکمیتی و غیر حاکمیتی است این در شرایطی است که صهیونیستها سالانه کمک های فراوانی از تمام دنیای غرب و بخصوص صهیونیست ها و مسیحی های صهیونیست آمریکایی می گیرند. و... در این بخش از مقاله به برخی از شاخص ها مراجعه و مختصری درباره تغییرات پیش آمده صحبت می شود.⁴

درصد رشد تولید ناخالص داخلی و بخش تجاری رژیم غاصب صهیونیستی

Growth of the GDP & the Business-Sector GDP

عملیات انتفاضه یکی از مهمترین عوامل رشد منفی سالهای 2001 تا 2003 بود. در سال 2000 رشد اقتصادی این رژیم به 8,9% یعنی بالاترین نرخ رشد در دو دهه گذشته رسیده بود. پس از سال 2003 بالاترین نرخ رشد این رژیم 5,4% در سال 2007 پس از شکست از مقاومت حزب ا... لبنان بوده است. عامل اصلی رقابت و سرپا نگهداشتن این رشد کمک آمریکا، کشور های غربی، صهیونیست های جهان و بخصوص آمریکایی است. با اینحال مقاومت فلسطین و لبنان امنیت اقتصادی این رژیم را زیر سؤال

⁴ - کلیه آمارهای مورد استفاده در این بخش از مقاله برگرفته از گزارشات وزارت مالیه و منابع رسمی رژیم صهیونیستی است.

برده و امید به حیات اقتصاد امن در این کشور متزلزل شده است. ولذا برغم بکارگیری انواع ابزارهای اقتصادی و غیر اقتصادی این رژیم قبل از بحران مالی غرب در اواخر سال 2008 نتوانسته رکورد قبلی نرخ رشد را کسب کند بطوریکه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بخش تجاری در بهترین شرایط خود در سال 2004 به 6,4% رسیده این در حالی است که در سال 2000 قبل از انتفاضه دوم به 11,2% رسیده بود. پس از چهار سال رشد اقتصادی (در سالهای 2004-2007) با بیش از 5%، افت رشد اقتصادی از اواسط سال 2008 آغاز شده است که ریشه در افول بازار سرمایه و در نااطمینانی دارد. این مسئله سپس به بازار کار منتقل و منجر به افزایش نرخ بیکاری شده است.

مصرف خصوصی و سرمایه گذاری در رژیم صهیونیستی

کاهش مصرف خصوصی Real Change in Private Consumption و کاهش در سرمایه گذاری ثابت Real Change in Fixed Investment نماد حقیقی انعکاس دو عامل فوق الذکر در اقتصاد رژیم غاصب هستند. کاهش در سرمایه گذاری و مصرف خصوصی در شرایط بحرانی به همراه افزایش مصرف دولتی نشان از نااطمینانی و ترس از گسترش بحران در آینده و از هم پاشیدگی اقتصاد است کاهش دفعتهاً بیش از 15% نشان از تکانه بزرگ به این اقتصاد در دوره گذر از سال 2008 به 2009 است. معمولاً اثرات رفتار مصرفی سریعتر خود را نشان می دهد. رفتار سرمایه گذاری دراز مدت تر است. لذا کاهش دفعتهاً در سرمایه گذاری با وجود سهم بالای سرمایه گذاری مستقیم (FDI) و سهم کمتر پرتفولیو در ترکیب و برغم نقد پذیری بیشتر این نوع سرمایه گذاری و دارا بودن مقام بالای فضای کسب و کار در سطح بین المللی (مقام دوم در سال 2005 و 2004) نشان از فرار سرمایه است که در گزارش وزارت مالیه این رژیم نیز به عاملیت بحران امنیتی نیز اعتراف شده است.

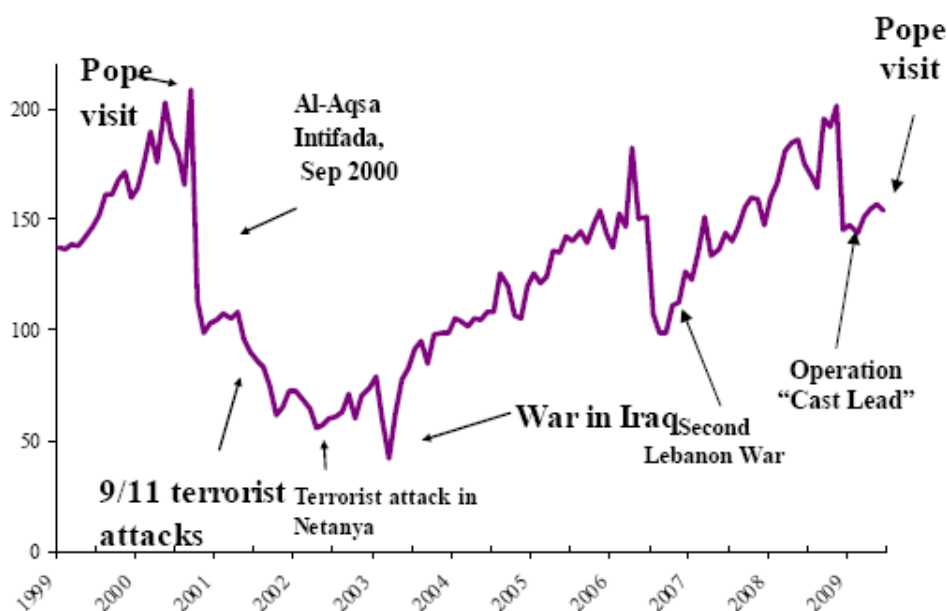
برغم این رکود اقتصادی در خالص حساب جاری هنوز آثار مثبت دیده می شود. زیرا این قوم مانند اختاپوس در همه جا خیمه زده و به اذعان گزارش وزارت مالیه رژیم صهیونیستی برغم کاهش شدید در بخش تجارت خارجی کالاها و خدمات وجود درآمدهای صهیونیستی خارج از کشور و انتقال از صنایع

کارخانه ای که قبلاً در جذب بیشتر مهاجر موثر بوده اندبه صادرات بیشتر در بالا نگه داشتن خالص حساب جاری موثر بوده است.

برنامه و صنعت توریسم

نیز دچار بحران شدید ناشی از عملیات انتفاضه، جنگ عراق، جنگ دوم با حزب... لبنان و لشکرکشی به غزه بوده است که در نمودار ذیل توسط وزارت مالیه اذعان شده است

Tourism: Tourist Arrivals by Air
In Thousands per Month



پس از رکود بزرگ سال های 2002 و 2003 در سال 2009 نیز بحران امنیتی کسری بودجه رژیم غاصب را به اوج خود رسانده است بطوریکه در درآمد های مالیاتی و سایر درآمدهای دولت افت شدیدی بوجود آمده است

درصد کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی از 1% در سال 2006 به 6% در سال 2009 بالغ می-

گردد.

سهم بدهی دولت نسبت به کشورهای دیگر نشان از تزلزل و اثرات مستمر بحران و عدم توانایی دولت برای خروج از بحران علیرغم سرازیر شدن انواع اعانه های صهیونیست های عالم به این کشور است. پدیده کشور غاصب رژیم صهیونیستی با دیگر کشورها قابل مقایسه نمی باشد زیرا که شبکه صهیونیسم جهانی با هدایت آژانس دفاع یهود Jewish Defence League همواره به اقتصاد آن پمپاژ کمک و منابع می نماید و در کتاب علائم بحران در اقتصاد رژیم صهیونیستی (ایروانی 1383) چگونگی پاره ای از آنها آمده است.

منابع و مآخذ:

- 1- قرآن کریم
- 2- نهج البلاغه
- 3- نهج الفصاحه (سخنان گهربار رسول اکرم (صلی ... علیه وآله))
- 4- صحیفه نور (مجموعه سخنرانی ها، بیانات و نوشته ها حضرت امام خمینی (قدس سره))
- 5- محمدی ری شهری، آیت .. محمد، (1383)، «میزان الحکمه»، انتشارات موسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث، قم.
- 6- ایروانی، محمد جواد، (1383)، «علائم بحران در اقتصاد رژیم صهیونیستی»، ناشر: قبله اول (جمعیت دفاع از ملت فلسطین، تهران).
- 7- کلیه داده های آماری از سایت های رژیم غاصب صهیونیستی (از جمله بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و وزارت مهاجرت و ...) گرفته شده اند.

۸- <http://www.ghatreh.com/press/src-۲۶-۲-۲۰.html>

9- <http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=11857>

زمستان 1388